

See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/377751985>

Yaşamaq üçün bir hekayə və ya Vilanın hekayəsi

Method · January 2024

DOI: 10.13140/RG.2.2.16461.00486

CITATIONS

0

READS

171

1 author:



Aladdin Malikov

Azerbaijan National Academy of Sciences

203 PUBLICATIONS 53 CITATIONS

SEE PROFILE



УДК: 81. 374.

КВТ: 81.1-4.

قصه‌ای برای زندگی کردن و یا قصه ویلان

f.f.d, dosent. Ələddin Məlikov,

<https://orcid.org/0000-0001-5830-6764>

<https://isni.org/isni/0000000514199177>

aladdin.malikov@gmail.com

Assoc. Prof. Aladdin Malikov

aladdin.malikov@gmail.com

д.ф.н, доцент. Аладдин Меликов

aladdin.malikov@gmail.com

هنوز هم بعد از این همه سال، چهره ویلان را از یاد نمی‌برم. در واقع، در طول سی سال گذشته، همیشه روز اول ماه که حقوق بازنشستگی را دریافت می‌کنم. به یاد ویلان می‌افتم...

ویلان پتی‌اف کارمند دبیرخانه اداره بود. از مال دنیا، جز حقوق اندک کارمندی، هیچ مال دیگری نداشت. ویلان اول ماه که حقوق می‌گرفت و جیبش پر می‌شد، شروع می‌کرد به حرف زدن...

روز اول ماه و هنگامی که از بانک به اداره برمی‌گشت، به راحتی می‌شد برآمدگی جیب سمت چپش را تشخیص داد که تمام حقوقش را در آن چپانده بود. ویلان از روزی که حقوق می‌گرفت تا روز پانزدهم ماه که پولش ته می‌کشید، نیمی از ماه سیگار برگ می‌کشید، نیمی از ماه مست بود و سرخوش...

من یازده سال با ویلان هم‌کار بودم. بعدها شنیدم، او سی سال به همین نحو گذران کرده است. روز آخر که من از اداره منتقل می‌شدم، ویلان روی سکوی جلوی دبیرخانه نشسته بود و سیگار برگ می‌کشید، به سرغش رفتم تا با او خداحافظی کنم. کنارش نشستم و بعد از کلی حرف مفت زدن، عاقبت پرسیدم که چرا سعی نمی‌کند زندگی‌اش را سروسامان بدهد تا از این وضع نجات پیدا کند؟ هیچ وقت یادم نمی‌رود. همین که سؤال را پرسیدم، به سمت من برگشت و با چهره‌ای متعجب، آن هم تعجیبی طبیعی و اصیل پرسید: کدام وضع؟

بهت زده شدم. همین طور که به او زل زده بودم، بدون اینکه حرکتی کنم، ادامه دادم: همین زندگی نصف اشرافی،

نصف گدایی!!!

ویلان با شنیدن این جمله، همانطور که به من زل زده بود، ادامه داد:

تا حال سیگار برگ اصل کشیده‌ای؟

گفتم: نه!

گفت: تا حالا تاکسی درست گرفته‌ای که دور شهر بگردی؟

گفتم: نه!

گفت: تا حالا به یک کنسرت عالی فقط برای لذت بردن رفته‌ای؟

گفتم: نه!

گفت: تا حالا غذای فرانسوی اصل در رستوران فرانسوی خورده‌ای؟

گفتم: نه!

گفت: تا حالا یک سوم پولت را داده‌ای به مشروب فوق‌العاده بخوری که دیگران نتونن براحتی تجربش کنن؟

گفتم: نه!

گفت: تا حالا نصف حقوقتو دادی کت و شلوار لوکس بخری؟

گفتم: نه!

گفت: تا حالا همه پولتو برای عشقت هدیه خریدی تا سورپرایزش کنی؟

گفتم: نه!

گفت: اصلاً عاشق بوده‌ای؟

گفتم: نه!

گفت: تا حالا به هفته در هتل موسکو موندی تا خوش بگذرونی؟

گفتم: نه!

گفت: خاک بر سرت، فکر می‌کنی تا حالا زندگی کرده‌ای؟

با درمانده‌گی گفتم: آره... نه... نمی‌دونم!!!

ویلان همینطور نگاهم می‌کرد. نگاهی تحقیرآمیز و سنگین...

حالا که خوب نگاهش می‌کردم، مردی جذاب بود و تندرست. به خودم که آمدم، ویلان جلویم ایستاده بود و تاکسی رسیده بود. ویلان سیگار برگی تعارفم کرد و بعد جمله‌ای را گفت. جمله‌ای را گفت که مسیر زندگی‌ام را به کلی تغییر داد.

ویلان پرسید می‌دونی تا کی زنده‌ای؟

جواب دادم: نه!

ویلان گفت: پس سعی کن دست کم نصف ماه را «زندگی کنی!».

هر شصت ثانیه‌ای را که با عصبانیت، ناراحتی و یا استرس بگذرانی، از دست دادن یک دقیقه از خوشبختی است که دیگر به تو بازمی‌گردد. زندگی کوتاه است. لحظه را دریاب و زندگی کن. قواعد را بشکن و سریع فراموش کن. واقعاً عاشق باش، بدون محدودیت بخند و هیچ چیزی که باعث خنده‌ات می‌گردد را رد نکن و تبسمت را برای تمام کسانی که برایت مهم هستند، اظهار کن!

Vilan Petiyev	ویلان پتی اف
Unutmaq	از یاد بردن
Boyunca	در طول
Pensiya	حقوق بازنشستگی
Almaq üçün	دریافت کردن
Xatırlamaq	به یاد افتادن
Katiblik	دبیرخانه
Əmək haqqı	حقوق کارمندی
Maaş	حقوق
Eləki	هنگامی که
Qabarma	برآمدگی
Doldurmaq, basmaq	چپاندن
Qurtarmaq, bitmək	ته کشیدن
Yarpaq siqareti, kazbek (Puro)	سیگار برگ
Köçürülmək	منتقل شدن
Ordan-burdan danışmaq	حرف مفت زدن
Unutmamaq	یاد نرفتن
Çaşıb qalmaq	بهت زدن
Zilləmək	زل زدن
Bağlı taksi, qapalı taksi, müstəqil taksi	تاکسی دربست
Əylənmək	خوش گذرانی
Kül başına	خاک بر سرت
Çarəsizlik	درماندهگی
Təhqiredici	تحقیر آمیز
Təklif	تعارف
Qaytarmaq, rədd etmək	رد کردن –

پرسش‌های تستی برای متن:

(1) قصه‌گو بعد از چند سال هنوز هم چهره ویلان را از یاد نبرده است؟

- 1- بعد از پنج سال
- 2- بعد از ده سال
- 3- بعد از سی سال
- 4- بعد از این همه سال
- 5- بعد از تمام این سال‌ها

(2) در متن، قصه‌گو در طول چند سال گذشته، همیشه روز اول ماه که حقوق بازنشستگی را دریافت می‌کند، به یاد ویلان می‌افتد؟

- 1- در طول بیست سال گذشته
- 2- در طول سی سال گذشته
- 3- در طول چهل سال گذشته
- 4- در طول پنجاه سال گذشته
- 5- در طول سال‌های گذشته

(3) ویلان پتی‌اف چه‌کاره بوده است؟

- 1- کارمند اداره دولتی بود.
- 2- کارمند اداره نظامی بود.
- 3- کارمند دبیرخانه اداره بود.
- 4- کارمند محاسب اداره بود.
- 5- کارمند معاون اداره بود.

(4) ویلان از روزی که حقوق می‌گرفت تا روز ... ماه پولش ته می‌کشید.

- 1- پنجم
- 2- دهم
- 3- چهاردهم
- 4- پانزدهم
- 5- شانزدهم

(5) ویلان نیمی از ماه چی بود و نیمی از ماه چی؟

- 1- نیمی از ماه مشروب عالی می‌نوشید، نیمی از ماه کار می‌کرد.
- 2- نیمی از ماه سیگار ارزان می‌کشید، نیمی از ماه کار می‌کرد.
- 3- نیمی از ماه غذای عالی می‌خورد، نیمی از ماه غذای ارزان.
- 4- نیمی از ماه کت و شلوار می‌پوشید، نیمی از ماه مست بود و سرخوش.
- 5- نیمی از ماه سیگار برگ می‌کشید، نیمی از ماه مست بود و سرخوش.

6) در متن قصه‌گو چند سال با ویلان همکار بوده است؟

- 1- من ده سال با ویلان همکار بودم.
- 2- من یازده سال با ویلان همکار بودم.
- 3- من دوازده سال با ویلان همکار بودم.
- 4- من سیزده سال با ویلان همکار بودم.
- 5- من پانزده سال با ویلان همکار بودم.

7) در متن قصه‌گو بعدها شنیده است که او چند سال به همین نحو گذران کرده است؟

- 1- بعدها شنیدم، او بیست سال به همین نحو گذران کرده است.
- 2- بعدها شنیدم، او سی سال به همین نحو گذران کرده است.
- 3- بعدها شنیدم، او چهل سال به همین نحو گذران کرده است.
- 4- بعدها شنیدم، او پنجاه سال به همین نحو گذران کرده است.
- 5- بعدها شنیدم، او شصت سال به همین نحو گذران کرده است.

8) جمله‌ای را که ویلان گفته و مسیر زندگی قصه‌گو را به کلی تغییر داده است.

- 1- سعی کن دست‌کم عمر خود را «زندگی کنی!».
- 2- سعی کن دست‌کم جوانی خود را «زندگی کنی!».
- 3- سعی کن دست‌کم کل ماه را «زندگی کنی!».
- 4- سعی کن دست‌کم اول ماه را «زندگی کنی!».
- 5- سعی کن دست‌کم نصف ماه را «زندگی کنی!».

9) در متن قصه‌گو از ویلان خواسته زندگی‌اش را سروسامان بدهد. ویلان پرسیده کدام وضع؟ در پاسخ چه گفته است؟

- 1- این زندگی نصف ثروتمند، نصف گدایی!!!
- 2- این زندگی نصف اشرافی، نصف میلیونری!!!
- 3- همین زندگی نصف میلیونری، نصف فقیری!!!
- 4- همین زندگی نصف اشرافی، نصف گدایی!!!
- 5- همین زندگی نصف اصیل‌زاده‌گی، نصف گدایی!!!

10) ویلام پس از پرس و جو چه چیزی به قصه‌گو تعارف کرده است؟

- 1- ویلان سیگار گران تعارف کرد.
- 2- ویلان سیگار ارزان تعارف کرد.
- 3- ویلان سیگار برگی تعارف کرد.
- 4- ویلان سیگار روسی تعارف کرد.
- 5- ویلان سیگار خارجی تعارف کرد.

Ədəbiyyat – منابع و مأخذ

1. Azəri, Ə., & Əlizadə, H. (1961). *Fars dili dərsliyi (Azərbaycan məktəblərinin 4-5-ci sinifləri üçün)*. İkinci nəşr, Bakı: Azərbaycan Dövlət Tədris-Pedaqoji Ədəbiyyatı Nəşriyyatı, 298 səh.
2. Babayeva, Z. (2010). *Fars dili (Dərslük)*. Bakı: Azərbaycan Respublikasının Silahlı Qüvvələrinin Hərbi Akademiyasının Hərbi nəşriyyatı, 359 səh.
3. Rüstəmov, T. (2012). *Fars dili*. Bakı Dövlət Universitetinin dərsliyi. Bakı: Nurlar nəşriyyatı, 368 səh.
4. Əlizadə, A. (2019). *Fars Dili İbtidai Səviyyə*. Bakı: Avropa nəşriyyatı, 190 səh.
5. Əlizadə, A. (2019). *Fars Dili Orta Səviyyə*. Bakı: Avropa nəşriyyatı, 242 səh.
6. Məlikov, Ə. (2024). *Fars dili əlifbası*. RG elmi bazası. 2 səh. (<http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.22169.19042>)
7. Məlikov, Ə. (2019). *Azərbaycan Respublikasının Konstitusiyası, (Fars dilində)*. Bakı: Elm və Təhsil nəşriyyatı, 84 səh. (ISBN 978-9952-8098-3-1), (<http://dx.doi.org/10.33864/MTFZK.2019.32>)
8. Məlikov, Ə. (2020). *Fars dilində məsdər və köklərinin cədvəli*. RG elmi bazası, 5 səh. (<http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.25770.36808>)
9. Seyidov, M. (1993). *Rusca-azərbaycanca izahlı hərbi terminlər lüğəti*. Bakı: Azərənəşr, 336 səh.
10. Babayev, F., & Babayeva, Z. (2013). *Farsca-Azərbaycanca Hərbi Lüğət*. Bakı: Azərbaycan Respublikasının Silahlı Qüvvələrinin Hərbi Akademiyasının Hərbi nəşriyyatı, 304 səh.
11. Məlikov, Ə., TERMİNLƏR və LÜĞƏTLƏR (9) // ResearchGate elmi bazası, 24 yanvar 2024, səh. 1-9 (<http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.18158.38723/1>)

REFERENCES

1. Azeri, A., & Alizadeh, H. (1961). *Persian language textbook (for grades 4-5 of Azerbaijani schools)*. Second edition, Baku: Azerbaijan State Teaching and Pedagogical Literature Publishing House, 298 pages. (in Azerbaijan)
2. Babayeva, Z. (2010). *Persian language (Textbook)*. Baku: Military publishing house of the Military Academy of the Armed Forces of the Republic of Azerbaijan, 359 pages. (in Azerbaijan)
3. Rustomova, T. (2012). *Persian language*. Baku State University textbook. Baku: Nurlar publishing house, 368 pages. (in Azerbaijan)
4. Alizadeh, A. (2019). *Persian Language Elementary Level*. Baku: European publishing house, 190 pages. (in Azerbaijan)
5. Alizadeh, A. (2019). *Persian Language Intermediate Level*. Baku: European publishing house, 242 pages. (in Azerbaijan)
6. Malikov, A. (2024). *Persian alphabet*. RG scientific database. 2 p. (<http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.22169.19042>)(in Azerbaijan)
7. Malikov, A. (2019). *Constitution of the Republic of Azerbaijan (in Persian)*. Baku: Science and Education Publishing House, 84 p. (ISBN 978-9952-8098-3-1), (<http://dx.doi.org/10.33864/MTFZK.2019.32>) (in Persian)
8. Malikov, A. (2020). *Table of infinitives and roots in Persian*. RG scientific base, 5 p. (<http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.25770.36808>) (in Azerbaijan)
9. Seyidov, M. (1993). *Russian-Azerbaijani explanatory dictionary of military terms*. Baku: Azernashr, 336 p. (in Azerbaijan)
10. Babayev, F., & Babayeva, Z. (2013). *Persian-Azerbaijani Military Dictionary*. Baku: Military publishing house of the Military Academy of the Armed Forces of the Republic of Azerbaijan, 304 pages. (in Azerbaijan)
11. Məlikov, Ə., (2024). TERMİNLƏR və LÜĞƏTLƏR (9) // ResearchGate elmi bazası, 24 yanvar 2024, səh. 1-9 (<http://dx.doi.org/10.13140/RG.2.2.18158.38723/1>)